

## نقش سنت در تبیین مفاهیم آیات قرآن

یکی از کارکردهای سنت معصومین، تأیید شیوه‌های خاص از روش‌های مختلف تفسیری است؛ زیرا آن بزرگواران در سیره خود نحوه استفاده از منابع صحیح تفسیری و قراین متقن را به یاران خود آموزش می‌دادند. بنابراین روش تفسیری مورد تأیید اهل بیت، همان روش جامع تفسیری است که در بردارنده گونه‌های خاص تفسیری است و در این گفتار به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### تفسیر قرآن به قرآن

این نوع تفسیر بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن مجید است که مورد تأیید رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشد. در این روش معنا و مفهوم هر آیه از قرآن مجید با تدبیر در سایر آیات قرآنی و با بهره‌گیری از

آن‌ها باز و تبیین می‌شود.

از سخنان مفسر و قرآن‌پژوه معاصر مرحوم علامه طباطبایی چنین برمی‌آید که این روش ویژه اهل بیت بوده و به جهت کارایی آن در کشف مراد خداوند، تنها روش قابل اعتماد است و خود ایشان همین روش را

### نقش سنت در تبیین مفاهیم آیات قرآن

برگزید و در تفسیر «المیزان» آن را به کار بست. وی درباره استناد اهل بیت به این روش می‌گوید:

«در درک معانی آیات باید روش اهل بیت را اتخاذ نمود و هر آیه قرآنی را با آیات دیگر قرآن توضیح داد و تفسیر کرد. کسی که با کنجکاوی در احادیث اهل بیت و در روایاتی که از مفسرین صحابه و تابعین در دست است دقت نماید، تردید نمی‌کند که روش تفسیر قرآن به قرآن روش ائمه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد»<sup>(۱)</sup>.

برگزید و در تفسیر «المیزان» آن را به کار بست. وی درباره استناد اهل بیت به این روش می‌گوید:

«در درک معانی آیات باید روش اهل بیت را اتخاذ نمود و هر آیه قرآنی را با آیات دیگر قرآن توضیح داد و تفسیر کرد. کسی که با کنجکاوی در احادیث اهل بیت و در روایاتی که از مفسرین صحابه و تابعین در دست است دقت نماید، تردید نمی‌کند که روش تفسیر قرآن به قرآن روش ائمه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد»<sup>(۱)</sup>.

تفسیر بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن مجید است که مورد تأیید رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد. در این روش معنا و مفهوم هر آیه از قرآن مجید با تدبیر در سایر آیات قرآنی و با بهره‌گیری از آنها باز و تبیین می‌شود.

بنابراین، تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن‌ترین شیوه‌های تفسیر است که سابقه آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برمی‌گردد. این روش توسط

اهل بیت ادامه یافت. برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده‌اند. تفسیرهای به‌جا مانده از صحابه، تابعان و دیگر مفسران،

۱. شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص

۸۱-۸۰.

۲. انعام: ۸۲، لقمان: ۱۳.

۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن

حسن طبرسی، ج ۳ و ۴، ص ۵۰۶.

عمر و بن عبید (یکی از بزرگان معتزله) به محضر امام صادق علیه السلام رسید و آیه «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ...»<sup>(۴)</sup> را خواند و سکوت کرد. امام علیه السلام دلیل سکوت وی را پرسید. گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بفهمم. امام فرمود: ای عمرو! اولین گناه کبیره شرک به خداوند است؛ زیرا قرآن می فرماید «...وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ...»<sup>(۵)</sup>: «هر کس به خدا شرک ورزد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام می کند». دومین گناه کبیره ناامیدی از رحمت خداوند است؛ زیرا قرآن فرموده است: «...إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»<sup>(۶)</sup>: «غیر از کافران کسی از رحمت خدا ناامید نمی شود». سپس امام علیه السلام ادامه داد که سومین گناه کبیره احساس امنیتی از

امام باقر علیه السلام نیز در مورد نماز مسافر در توضیح آیه «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ...»<sup>(۱)</sup> (و چون در سفر باشید بر شما گناهی نیست نماز خود را کوتاه کنید) به آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...»<sup>(۲)</sup> (صفا و مروه از شعائر الهی است. پس چون کسی حج یا عمره بگذارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو را بپیماید...) استدلال کرد و با تفسیر قرآن به قرآن و جوب نماز قصر را اثبات کرد<sup>(۳)</sup>.

این دو حدیث و احادیث مشابه نشان می دهد که پیشوایان معصوم از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کردند و عملاً آن را به پیروان خود تعلیم می دادند.

## تفسیر قرآن به صورت موضوعی

عبدالعظیم حسنی می گوید: روزی

۱. نساء: ۱۰۱. ۲. بقره: ۱۵۸.

۳. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۵۳۸.

۴. نجم: ۳۲. ۵. مائده: ۷۲.

۶. یوسف: ۸۷.

### نقش سنت در تبیین مفاهیم آیات قرآن

قرآن مجید در آیات متعدد نکته‌های پندآموزی از داستان پیامبران، طاغوت‌ها، ملت‌ها و وقایع صدر اسلام را به بهترین شیوه بیان می‌کند. بنابراین اهل بیت در تفسیر برخی از آیات، از قصه‌ها و تاریخ استفاده کرده‌اند؛ چنان که امام جعفر صادق علیه السلام در جواب این سؤال که چرا در قرآن آیه «و فرعون ذی الأوتاد»<sup>(۴)</sup> آمده و در این آیه فرعون صاحب میخ‌ها نامیده شده است؟ فرمود: به علت این که فرعون هنگام مجازات و شکنجه فرد، او را می‌خواباند و با

مکر خداوند است که قرآن می‌فرماید: «...فَلا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلا الْقَوْمُ الْخاسرون»<sup>(۱)</sup>: «جز مردم زیان‌کار کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند». چهارمین گناه کبیره آدم‌کشی به ناحق است که خداوند می‌فرماید: «و مَنْ يَقْتُلْ مُؤمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاءُهُ جَهَنَّمُ خالداً فيها...»<sup>(۲)</sup>: «هرکس عمداً مومنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود...».

پنجمین گناه کبیره شهادت دروغ و نهان داشتن آن است به دلیل آیه «...و مَنْ يَكْتُمها فَإِنَّه آثِمٌ قلبه...»<sup>(۳)</sup>: «و هرکس شهادت را پنهان کند قلبش گناه‌کار است...». و گناهان دیگر.

تمام مواردی را که امام صادق علیه السلام برشمرده‌اند، از گناهان کبیره می‌باشد که خداوند در قرآن بیان فرموده است.

هر چند منبع اصلی دانش اهل بیت، غیبی و غیرحصولی است، ولی استناد به بعضی از روایات نشان می‌دهد که آن بزرگواران بعضی از آیات قرآن را به روش تجربی تفسیر و تبیین می‌کردند.

چهار میخ به زمین می‌کوبید تا

۱. اعراف: ۹۹. ۲. نساء: ۹۳.  
۳. بقره: ۲۸۳. ۴. فجر: ۱۰.

بمیرد<sup>(۱)</sup>.

و باز آن حضرت در ذیل آیه شریفه  
«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ  
الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَباً»<sup>(۲)</sup> «  
فرمود: آنان جوانمردانی بودند که فرار  
کردند و به غاری پناه بردند و پادشاه  
آن زمان نام آنان و پدرانشان را بر روی  
لوحه‌ای نوشت؛ برای همین  
«اصحاب کهف» و «رقیم» نام  
گرفتند<sup>(۳)</sup>.

#### تفسیر قرآن با کاربرد لوازم ادبی

منظور از ابزارهای ادبی، واژگان و  
متون ادبیات عرب است که مفسر را  
در فهم معنای لغوی واژگان قرآن یا  
ساختار نحوی و بلاغی آیات یاری  
می‌رساند. با مراجعه به بعضی  
روایات، ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> در تبیین و  
تفسیر آیات قرآن به نکات ادبی استناد  
کرده‌اند؛ مثلاً امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> در معنای  
«... لا فارض ولا بکر...»<sup>(۴)</sup> فرمودند:  
«لا صغیره و لا کبیره؛ نه کوچک و نه  
بزرگ»<sup>(۵)</sup> و نیز زراره نقل می‌کند که به

امام باقر<sup>علیه‌السلام</sup> عرض کردم: از کجا  
فهمیدید که در وضو، مسح بر قسمتی  
از سر و پاکفایت می‌کند؟ حضرت  
فرمودند: چون خداوند می‌فرماید:  
«...فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ إِلَى  
الْمَرَافِقِ...»<sup>(۶)</sup>: «صورت و دست‌ها تا  
آرنج شسته شود» سپس آن حضرت  
کلام را تغییر داد و فرمود: «...و  
امسحوا برؤوسکم و ارجلکم...» که به  
سبب وجود «باء» فهمیدیم که مسح  
برای بخشی از سر و پاست<sup>(۷)</sup>.

در روایت مزبور، امام<sup>علیه‌السلام</sup> به این  
نکته اشاره نمودند: چون متعلق فعل  
«امسحوا» به صورت جار و مجرور  
آمده است این حرف «باء» دلالت  
دارد بر این که باید جزء از کل مسح

۱. تفسیر نورالثقلین، علی بن جمعه حویزی، ج

۵، ص ۵۷۱.

۲. کهف: ۹.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۲۲.

۴. بقره: ۶۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۰۳.

۶. مائده: ۶.

۷. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳،

ص ۱۳۰.

### نقش سنت در تبیین مفاهیم آیات قرآن

شود؛ چون از نظر ادبی بآ دلالت به بعض و جزئی از یک شیء می‌کند.

آیا خداوند چنین دستی دارد؟ حضرت فرمود: عقل می‌گوید که اگر خداوند دست داشته باشد، مخلوق است (۳).

### تفسیر قرآن با دلایل عقلی

عقل یکی از ارزش‌مندترین نعمت‌های الهی در وجود انسان است که در احادیث معصومین از آن به عنوان «حجّت باطنی»<sup>(۱)</sup> تعبیر شده است. برای همین، آن بزرگواران از یافته‌های قطعی این نعمت به عنوان قرینه در تبیین و تفسیر آیات قرآن کمک می‌گرفتند.

هم‌چنین یکی از یاران امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که در مورد آیه «و هو الله فی السموات و فی الارض...»<sup>(۴)</sup> سؤال کردم. حضرت فرمود: خداوند در همه جا هست. پرسیدم: آیا با ذات خود در همه جا وجود دارد؟ امام علیه السلام فرمود وای بر تو! مکان‌ها ظرف هستند و ظرف‌ها مخصوص پدیده‌هاست؛ در صورتی که خداوند از آفریده‌هایش جداست و از نظر علم، قدرت و سلطه، بر آن‌ها احاطه کامل دارد<sup>(۵)</sup>.

امام حسن عسگری علیه السلام در سیره قرآنی خود خاطر نشان نموده است که: سالک کوی قرآن کسی است که تأویل آیات آن را از معصومین اخذ کند نه از افراد فاسق و مجادله‌کننده

عبدالله بن قیس می‌گوید: کنار امام رضا علیه السلام بودم و ایشان سرگرم تلاوت قرآن بود تا این که به عبارت «..بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ...»<sup>(۲)</sup> رسید. با دستم به دست آن حضرت اشاره کردم و گفتم:

۱. نک: بحار الانوار، ج ۴، ص ۴.  
۲. مائده: ۶۴. همان: ص ۴.  
۳. انعام: ۳.  
۴. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۹.

## تفسیر قرآن با دستاوردهای علوم تجربی

هر چند منبع اصلی دانش اهل بیت، غیبی و غیر حصولی است، ولی استناد به بعضی از روایات نشان می‌دهد که آن بزرگواران بعضی از آیات قرآن را به روش تجربی تفسیر و تبیین می‌کردند. حسین بن خالد می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: طبق آیه «و السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ»: «سوگند به آسمان که دارای راه‌های مشبک است» برایم توضیح بده که چگونه آسمان مشبک است؟ حضرت انگشتان خود را مشبک کرد و فرمود: آسمان روی زمین مشبک است. گفتم: چگونه چنین است؟ در صورتی که خداوند می‌فرماید: «...رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...»<sup>(۱)</sup> فرمود: آیا خداوند نمی‌گوید: «بغیر عمدهای ترونها»؟ گفتم: چرا! فرمود: پس ستونی هست که شما نمی‌بینید. گفتم: این چگونه است؟ حضرت دست چپ خود را مشت کرد سپس دست

راست خود را بر روی آن گذاشت و فرمود: این، زمین است و آن، آسمان. این حدیث شریف منطبق با قانون جاذبه است که طبق آن بین ستارگان و سیارات آسمانی نیروی جاذبه وجود دارد که موجب تعادل آنها شده است. این نیروی جاذبه به صورت یک ستون نادیدنی، اجرام آسمانی را در فضا نگه داشته است.

## تأویل آیات

یکی دیگر از کارکردهای سنت که در پایان این نوشتار بدان اشاره می‌شود، تأویل آیات قرآن است. این آموزه صدها چشمه زلال حکمت را جاری می‌سازد و آن را در اختیار تشنگان معارف قرآنی قرار می‌دهد تا بوستان وجود خویش را با آن سیراب سازند. گرچه عده‌ای دانش تأویل آیات قرآن را به استناد آیه «...و ما یَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...»<sup>(۲)</sup> مختص ذات

۲. آل عمران: ۷.

۱. رعد: ۲.

### نقش سنت در تبیین مفاهیم آیات قرآن

مجادله کننده<sup>(۳)</sup> .

طبق این روایت و روایات دیگر، کسی که می خواهد حقیقت قرآن را بفهمد، باید تأویل آیات آن را از اهل بیت و فرستادگان ویژه آن بزرگواران بیاموزد؛ زیرا قرآن مجید مراتبی دارد و فهم مراتب بلند آن توسط علم حصولی قرآن پژوهان و صاحب نظران امکان پذیر نیست و این مراتب با فکر عادی بشر قابل درک نیست؛ مگر این که انسان خودش عروج کند و به آن موطن رفیع برسد و حقیقت قرآن را در آن مقام شامخ روحانی درک کند.

باری تعالی می دانند؛ اما دلایل روشنی وجود دارد که اهل معرفت و راسخان در علم، اهل بیت می باشند. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد که ائمه اطهار علیهم السلام آگاهان به دانش تأویل و عالی ترین مصادیق صاحب نظران و ثابت قدمان در تأویل هستند.

ابوعبیده نقل می کند که درباره آیه «الم \* غَلَبَتِ الرُّومُ \* فِی اَدْنٰی الارضِ...»<sup>(۱)</sup> از امام باقر علیه السلام سؤال کردم. آن حضرت پاسخ داد: یا اباعبیده! این آیه تأویل دارد و تأویل آن را فقط خداوند و راسخان در علم؛ یعنی ائمه اطهار می دانند<sup>(۲)</sup>. از این روایت استنباط می شود که قرآن تأویل دارد و باید تأویل آیات را در مکتب اهل بیت آموخت.

امام حسن عسگری علیه السلام در سیره قرآنی خود خاطر نشان نموده است که: سالک کوی قرآن کسی است که تأویل آیات آن را از معصومین اخذ کنند نه از افراد فاسق و

۱. روم: ۲-۱.

۲. تفسیر عباسی، ج ۱، ص ۱۷.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۵.



مكتب اسلام، سال ٥٠، شماره ٨